

وقتی دانشجویان مدرسه روزنامه‌نگاری که اسمش هم به کاغذ مربوط است، دارند با تمرکز بر فضای آنلاین جلو می‌روند، باید قبول کرد که دیگر عمر کاغذ به شکل روزنامه به سر رسیده باشد. مدیر مدرسه روزنامه‌نگاری که موبی در این راه سفید کرده، می‌گوید: شاید کاغذ را در سال‌های بعد در بخش دیگری ببینیم.

گزارشی از بازدید از روزنامه‌های لوموند، لژکو و مدرسه روزنامه‌نگاری پاریس؛



همه دیوار بیرونی ساختمان طوسی رنگ شماره ۸۰ بلوار آگوست بلانکی را شعرهای ویکتور هوگو درباره آزادی مطبوعات با کبوترهایی که به سمت نوشته‌ها پرواز می‌کنند، پوشانده. تابلویی کوچک به اسم ساختمان نصب شده کنار ورودی اصلی به نام لوموند. شبیه ساختمان‌های تعطیل است. ورودی اصلی از روزی که به شارلی ابدو حمله شد، بسته شده و همه از در پشتی ساختمان وارد می‌شوند. لوموند، یکی از اصلی‌ترین روزنامه‌های حزب چپ فرانسه است که می‌توان آن را یکی از پر تیراژترین‌ها نام برد.

بعد از حمله‌های پیاپی به شهر، نصب گیت‌های ایکس ری یا بازرسی بدنی، بخشی از پروتکل امنیتی ساختمان‌های اصلی و بزرگ پاریس شده. سهم لوموند بزرگ از این پروتکل، تنها در قفل شده‌ای است که کارکنان با کارت ورودی به آن داخل می‌شوند و مهمانان با اجازه نگهبان و با تایید و همراهی میزبان.

درهای پشتی ساختمان‌ها همیشه زشتند و آدم را وارد بی‌ریخت‌ترین راهروهای بی‌مصرف ساختمان می‌کنند. حال تزیین شده با چند صفحه یک شماره‌های مهم روزنامه و آثاری از هنرمندان. انگار لوموند از آنجا شروع شده، لوموند محبوب. صفحه یک قاب شده روی دیوار ورودی طبقه همکف، همان حال اصلی، به تاریخ روز مرگ استالین است. تیتر خورده «مارشال استالین مُرد»؛ کوتاه و مفید.

عصر است و روزنامه‌های عصر، روی دکه‌اند و اثر زیادی از همه‌همه خبرنگاران در آسانسورها و راهروهای ورودی به تحریریه نیست. در تحریریه روزنامه کاغذی که مثل همه تحریریه‌های دنیا شلوغ است از خبر و عکس که به دیوارها چسبانده شده، جشن خداحافظی کوچکی برپاست، برای یکی از اعضای تحریریه که ۲۰ سال است خبرنگاری کرده و حالا دارد منتقل می‌شود به بخشی دیگر. دوستانش می‌خندند و می‌گویند خیلی مارکسیست است.

سرژ میشل، خبرنگاری که سال‌های دور دولت اصلاحات ۳ سالی را در ایران به سر برده و دست و پا شکسته اما بهتر از بقیه فارسی حرف می‌زند هم هست. «سال‌های ۹۸ تا ۲۰۰۱ ایران بودم. آنجا را خیلی دوست داشتم. الان خبرنگار بین‌الملل فیگارو هستم.» اینها را وسط جشن خداحافظی همکار کهنه‌کارش می‌گوید. کتابی هم نوشته از تجربه سه ساله‌اش در ایران که آنقدر فروش داشته که برای جامعه ایرانی هم معروف شده.

تحریریه به همان سالن جشن بگیران محدود نمی‌شود، راهرویی در پی است که به اتاق سردبیر می‌رسد و سالنی دیگر در پی آنکه اینفوگرافیک‌ها، کارتون‌ها و طراحان در آن مشغول کارند. بالای ستونی هم نوشته ادیت عکس که کارهای عکس صفحات آماده می‌شود.

طبقه بالا، شلوغ‌تر از جاهای دیگر روزنامه است؛ بخش آنلاین است با صد نفر از خبرنگار و دبیرهای سرویس‌ها و سردبیر و ادیتورها. خبرنگاران همچنان در حال کارند، اخبار را پیگیری می‌کنند تا چیزی از قلم نیفتد. اینجا سرعت خیلی بیشتر از طبقه پایین اهمیت دارد. وسط حرف با دبیر صفحه بین‌الملل، خبری آمده که باید به خبرنگارش برساند و گزارشی بنویسند. میانگین سنی آدم‌ها در آنلاین لوموند حدود سی و چند سال است.

آی‌مک‌های غول‌پیکر اتاقی که جدا از سالن بزرگ تحریریه است، نشان از بخش ویدیو می‌دهند، مدل آدم‌های این بخش هم متفاوت از بقیه است، شباهتی به خبرنگار جماعت ندارند، بیخیال از رصد و دروازه بانی خبر، نشسته‌اند برگر و کوکای‌شان را

می‌خورند و برمی‌گردند سر کار تدوین‌شان. اتاق ده نفره تینجرهاست انگار که شبیه استودیو ساخته شده و آدم‌های آنجا هم یکسری گیم‌ر که نشستند تا نوبت‌شان شود. هیچ تکاپویی برای رساندن خبر یا نوشتن گزارشی دست اول ندارند، سفارش کار می‌گیرند، با راش‌هایی که به دست‌شان رسیده بازی می‌کنند و در نهایت ویدیویی را تحویل می‌دهند که میزان بازدیدش چشمگیر شود.

کار اصلی این افراد ساختن ویدیوی ۵ تا ۶ دقیقه‌ای درباره موضوعات پیچیده‌ای چون جنگ در سوریه است، با تنظیمی حرفه‌ای و کیفیت تصویری بالا. ویدیوهایی که طرفدار زیاد دارد و در عرض همان ۵ دقیقه می‌تواند یک گزارش کامل را ارائه دهد. سایت آنلاین و روزنامه از هم جدا بودند، حدوداً از ۱۰ سال پیش باهم کار می‌کنند و روسای‌شان یکی شده‌اند. دبیر سرویس بین‌الملل میزبان ما است و مانی‌تور بزرگی را که ته سالن است و در اتاقی شیشه‌ای به دیوار نصب شده نشان می‌دهد و می‌گوید: مانی‌تور برای رمزگشایی از سخنرانی‌هاست، وقتی یک سخنرانی انجام می‌شود، می‌توانیم با گوش دادن به سخنان سخنران، آن را دی‌کد کنیم و بفهمیم که دارد راست می‌گوید یا نه. در واقع به نوعی آن را رمزگشایی می‌کنیم و اطلاعاتی که به دست می‌آوریم را چک می‌کنیم.

«پیکسل» نام بخش دیگری است که به نوعی اطلاعات آنلاین است و درباره تکنولوژی صحبت می‌شود. در واقع معرفی تکنولوژی‌های جدید است که از لحاظ مالی خودکفا هستند و با فروش تبلیغ زندگی می‌گذرانند. با تولیدکنندگان بازی‌های الکترونیکی وارد قرارداد می‌شوند. مشتریان این بخش مستقیماً با رییس انتشارات وارد مذاکره می‌شوند و نیازی به هماهنگی با سردبیر یا بخشی از تحریریه ندارد. هدف کار این بخش این است که مقالات تولیدشده هرچه بهتر فروخته شود.

اقتصاد دانان در لژکو جمعند

صفحه یک نیویورکر که برج ایفل سیاهپوش را عکس کرده در بهترین جای اتاق به دیوار خورده، کنارش صفحه‌ای است که جمله «من چارلی هستم» به ۸ زبان زنده دنیا از جمله فارسی نوشته شده. اینها نخستین تصاویری است که از تحریریه روزنامه اقتصادی لژکو به چشم می‌آید؛ تصاویری که پس از گذشت دو سال از وقوع آن هنوز برای همکاران آنها که به رگبار بسته شده بودند، کهنه نشده.

بیشتر سرویس‌ها و گروه‌ها اقتصادی است و کمتر کلمه سوساییتی یا جامعه و حتی فرهنگ و هنر به چشم می‌خورد. یکی، دو صفحه سیاست داخلی و خارجی است و باقی به حوزه‌های ریز و درشت اقتصاد می‌پردازد. اقتصاد کلان، اقتصاد داخلی، املاک و مستغلات بخش‌هایی از گروه‌های در حال کار در لژکو هستند.

میزبان ما که دوباره سردبیر بین‌الملل است در حال تورق صفحات روزنامه است و توضیح می‌دهد که هرکس چه می‌نویسد. خبرنگار نیویورک روزنامه دارد برایشان مطلب می‌گذارد و بالای صفحه را خبرنگار هندوستان پر می‌کند و ستون‌نویس دیگری که باید گوشه چپ صفحه را پر کند، از آرژانتین است. صفحه آرایی در کار نیست، این شغل بین خبرنگاران و مسوولان صفحه تقسیم شده است. صفحه به کمک خبرنگاران مختلف پر و فرستاده می‌شود.

جلوی هر خبرنگار یا ادیتوری دو مانی‌تور روشن است که سرعت دهد به رصد اخبار و نوشتن‌های‌شان. نیکلا باغه، سردبیر لژکو با عینک گردش به استقبال می‌آید، کرکره اتاقش در راهرو بالاست و شلوغی روی میزش به چشم می‌آید. کم حرف است و با لیخندی هیات بازدیدکننده را خوشامد می‌گوید و ترجیح می‌دهد به ادامه کارش برسد.

گیوم دو کلینیو، از اقتصاد فرانسه می‌نویسد. جزو معدود خبرنگاران لژکو است که ایران را دیده. می‌گوید: من یک سال پیش با روزنامه‌نگاران و رییس موسسه مدف به ایران رفتم و تهران و مشهد را دیدم. در این سفر وزیر کشاورزی و شهردار مشهد را هم دیدیم.

بخشی از تحریریه هم هست که خبرنگاران و اهالی فن و تکنیکی مشغول کارند که به کار ساختن ماکت، اینفوگرافی و ادیت عکس‌ها مشغولند. دبیر سرویس بین‌الملل توضیح می‌دهد: در این سالن، عکس‌ها را درست می‌کنند و صفحه اول روزنامه را می‌بندند. در گوشه سالن، روزنامه‌نگاران دیگری‌اند که به بخش سرمایه‌گذاری مربوطند و خبرهای حول و حوش این حوزه را پوشش می‌دهند.

کارکنان بخش تصحیح هم مانند همه روزنامه‌های دنیا، موظفند مطالب را قبل از چاپ بخوانند تا ایراد نگارشی نداشته باشد. سالن آنلاین‌ها کمی آن سوتر است که در واقع روزنامه آنلاین را می‌نویسند.

کاترین، خبرنگار صنعت است. او هم مانند گیوم، ایران را دیده و حتی در آن زندگی کرده. چهره‌اش کمتر به فرانسوی‌ها می‌خورد و بیشتر انگار از جایی میانه خاور میانه آمده. می‌گوید: من در ایران زندگی هم کرده‌ام، درباره خاورمیانه می‌نویسم وقتی بچه بودم ۴ سال آنجا زندگی کردم، اما هیچ‌وقت برنگشتم و شانس اینکه دوباره در ایران زندگی کنم را نداشتم.

دبیر سرویس بین‌الملل و ادیتور سیاسی، ایبغ غودیه روزنامه را صفحه به صفحه باز می‌کند و از لژکوی ۱۲۸ هزار تیراژی می‌گوید: در لژکو ۱۸۰ روزنامه‌نگار مشغول به کارند، این به غیر از مجموعه نیروی انسانی کل مجموعه است که به ۵۰۰ نفر می‌رسد. در صفحات اول روزنامه به موضوعات خبری مرتبط با فرانسه می‌پردازیم؛ اخبار داخلی، مردمی، سیاسی و اقتصادی. صفحات بعدی به اخبار جهان و بین‌الملل می‌پردازد. اقتصاد سیاسی و مباحث روز دنیا.

صفحات لایه روزنامه که کمتر خبری‌اند و گزارش‌های تحلیلی یا تحقیقی در آن نوشته می‌شود، بیشتر حول مباحثی است که سوژه اصلی خود خبرنگاران است. ایبغ غودیه می‌گوید: در این صفحات بیشتر روزنامه‌نگاری تحقیقی انجام می‌شود. روزنامه‌نگاران، گزارشش را می‌نویسند و دبیران بخش‌ها، یادداشت. بعضی اوقات هم یادداشت‌ها را از متخصصین و کارشناسانی می‌گیریم که جزو همکاران ما نیستند ولی در حوزه خود خبره‌اند.

صفحه فرهنگ و هنر، فیچر آخرین صفحات دفتر اول محسوب می‌شوند. روزنامه دو دفتر دارد. بخش دوم درباره زندگی موسسات است. سرویس‌هایی چون صنعت و بورس در دفتر دوم جا دارند که به هرکدام مفصل‌تر از صفحات خبری پرداخته می‌شود.

درآمد لژکو هم مانند دیگر روزنامه‌های دنیا، از بخش کاغذی است تا آنلاین. تک فروشی و آگهی منابع اصلی درآمد روزنامه محسوب می‌شوند. قیمت هر نسخه لژکو، ۲ تا ۳ یورو است به اضافه ویکند مجانی. تعداد صفحات هم ثابت نیست، روزهایی ۴۰ صفحه است و روزهای دیگر به ۵۰ صفحه می‌رسد. اما حداقل صفحات روزنامه ۳۲ صفحه است و دست‌کم باید دو دفتر ۱۶ تایی باشد.

حق‌التحریر خبرنگاران آزاد، چندان تفاوتی با پرداخت خبرنگاران ثابت ندارد. به ازای ۱۶۰۰ کاراکتر که می‌شود ۲۶ خط یا یک

کاغذ کوچک ۶۹ یورو پرداخت می‌شود که این قیمت برای خبرنگاران حق‌التحریر و ثابت یکسان است. لزکویی‌ها درآمد خبرنگاران را در قیاس با دیگر شغل‌ها در فرانسه بالاتر می‌دانند. هیات میزبان بر اساس اعداد و ارقام دریافتی می‌گویند: حقوق متوسط تمام فرانسوی‌ها تقریباً ۲۲۰۰ یورو ماهیانه است، این در واقع پولی است که بعد از کسر مالیات و چیزهای دیگر به جیب‌شان می‌رود، این در حالی است که کف حقوق در فرانسه ۱۳۰۰ یورو است و هیچ کس نمی‌تواند کمتر از این میزان بگیرد. با این اوصاف، حقوق خبرنگاران بین ۲۴۰۰ تا ۲۵۰۰ یورو برای تازه‌کاران و با سابقه کمتر و تا ۳۵۰۰ یورو برای سابقه داران است.

فوق‌لیسانس داریم، از حقوق‌مان راضی نیستیم
خبرنگاران با سابقه لزکو از حقوقی که می‌گیرند راضی نیستند، آنها می‌گویند: این میزان حقوق نسبت به سطح تحصیلات‌مان پایین است. ما همه فوق‌لیسانس داریم. اکثر آنها بعد از دیپلم به مدرسه روزنامه‌نگاری می‌روند و سه سال آنجا درس می‌خوانند، در بین روزنامه‌نگاران هم هستند کسانی که رشته دانشگاهی‌شان روزنامه‌نگاری نباشد و تجربی کار را یاد گرفته باشند. آنها می‌گویند: اجباری به اینکه رشته ارتباطات خوانده باشیم نیست، از میان ما یکی‌مان اقتصاد خوانده، یکی دیگر تاریخ، فلسفه و حتی زبان‌های خارجی.

ساعت کار خبرنگاران نسبت به مشاغل دیگر شناورتر است، خبرنگاران لزکو هم از این امر مستثنی نیستند، مدیر گروه بین‌الملل می‌گوید: من چون مدیر گروهم از ساعت ۹ صبح می‌آیم تا ۹ شب. چون من مسوولیت بیشتری دارم، باید از اول تا آخر حضور داشته باشم. اما ساعات کارمان تقریباً آزاد است و هرکسی کار خودش را انجام می‌دهد. روزنامه ما چاپ صبح است. چاپخانه‌ها شب روزنامه را چاپ می‌کنند و صبح روی دکه است. معمولاً شب‌ها تا ساعت ۱۱ شب به شکل شیفتی می‌مانیم و آخرین خبرها را آماده می‌کنیم که تا ساعت ۱۱ شب به چاپخانه برود.

آزادی بیان برای‌مان مهم است
آزادی بیان، برای فرانسه که خود را مهد آزادی می‌داند، یکی از مهم‌ترین مسائل است و این امر در میان اهالی مطبوعات باید بیشتر از همه جا به چشم بیاید. اهالی لزکو می‌گویند: در فرانسه فرهنگ آزادی بیان برای مطبوعات است که بتواند نظراتش را آزادانه ارایه بدهد. روزنامه‌های سیاسی و حزب‌های مختلف چپ و راست همیشه در فرانسه مهم بودند، آنها هرچه خواهند می‌توانند بگویند و به هر موضوعی انتقاد کنند. اگر دولت فکر کند ما کارمان را بد انجام دادیم، می‌تواند از ما شکایت کند، این قانون است که بر اساس آزادی بیان در این بین تصمیم می‌گیرد. اینجا هم خبرنگار مسوول نوشته‌اش است و هم مدیر مسوول. در واقع هم آئی که نوشته و هم آئی که چاپ کرده مسوول است. ولی بسیار کم پیش می‌آید که از مطبوعات شکایت شود. می‌توانیم بنویسیم دولت دزد است، اگر بنویسیم رییس‌جمهور فرانسه دزدی کرده و دروغ باشد، رییس‌جمهور می‌تواند ما را دادگاهی کند. آن موقع این قانون است که از روزنامه‌نگاران حمایت می‌کند. اما ما باید قبل از انتشار خبر، آن را از منابع‌مان چک کنیم و واقعیت آن را بسنجیم.

مدرسه روزنامه‌نگاری [EF]
مدرسه روزنامه‌نگاری، جایی شبیه دانشگاه که دانشجویان تازه کار و علاقه‌مند به این رشته، وارد مدرسه می‌شوند و سه سال در آن درس می‌خوانند تا آماده کار شوند. مدیر مدرسه، ژاک روسلین، از پیشکسوتان این رشته است و تا به حال چند کانال تلویزیون محلی داشته. در جلسه‌ای که برای تبادل نظر بین روزنامه‌نگاران ایرانی و دانشجویان روزنامه‌نگار فرانسوی شکل گرفته، می‌گوید: در ۱۹۹۸ یک اپراتور تلویزیونی به نام «کانال وب» روی نت درست کردم. شاید آن زمان کار کردن در نت، کمی زود بود و من به نحوی پیشکسوت محسوب می‌شدم. تولیداتی هم در تلویزیون‌های محلی داشتم تا امروز که مدیر یک مدرسه روزنامه‌نگاری‌ام. می‌شود گفت یک مدرسه جدید روزنامه‌نگاری است که سعی می‌کند تمرکزش را روی هرآنچه به سمت دنیای دیجیتال است، ببرد. آنچه امروز درباره روزنامه‌ها می‌بینیم و می‌خوانیم، این واقعیت است که عمر کاغذ در حال تمام شدن است و باید روزنامه‌نگاری دیجیتال و وابسته به نت روی کار بیاید.

بخش‌هایی از روزنامه‌های دیگر را ترجمه کرده‌اند و روی دیوار چسبانده‌اند. روسلین در توضیح عکس‌ها می‌گوید: اینها، گزیده‌ای از روزنامه‌هاست که انتخاب شده، شما هم می‌توانید این کار را بکنید.

بزرگ‌ترین رسانه‌های فرانسوی، دولتی‌اند. بر اساس کارت‌های خبرنگاری ۳۰ هزار روزنامه‌نگار در این کشور وجود دارد که ۲ هزار کارت مطبوعاتی از آن رسانه‌های دولتی‌اند، آنهم در کشوری که ۶۰ میلیون جمعیت دارد. حقوق متوسط یک روزنامه‌نگار ۴ هزار دلار در ماه است. روزنامه‌های فرانسوی، قدیمی‌تر از این حرف‌ها هستند که خواهند با وارد شدن روزنامه یا رسانه جدید، مخاطبان‌شان را از دست بدهند. به گفته آقای مدیر، بازیگران چشم‌انداز مطبوعاتی فرانسه، همان‌هایی‌اند که از قبل بودند، بازیگر جدید ندارند.

فیگارو، لوموند، فرانس تلویزیون شبکه‌های اصلی‌اند. فقط فیگارو و لوموند، ۱۰ میلیون نفر مخاطب و بازدیدکننده در ماه دارند. شاید بتوان گفت در ده سال اخیر یک بازیگر جدید به نام BFMTV که یک کانال تلویزیونی است، سرکار آمده که آنهم تازه‌کار محسوب می‌شود. این کانال به طور دایم در حال رساندن اطلاعات به مخاطبان‌ش است. اول کار فقط به اطلاعات اقتصادی بسنده کرده بود، الان همه جور اطلاعاتی به مخاطبش می‌دهد.

به غیر از مطبوعات دولتی فرانسه که زیر نظر و حمایت دولت است، بقیه رسانه‌ها، زیر نظر صنعتگران و شرکت‌های صنعتی‌اند. مثلاً صاحب لزکو همان صاحب لویی ویتون است و یکی از پولدارترین آدم‌های دنیا به حساب می‌آید. فیگارو مال آقای دسو است که تولیدکننده هواپیما و اسلحه است. لوموند هم مال زاویه نیل است که اپراتور تلفن است. رقیبش که او هم اپراتور تلفن است، صاحب لیراسیون و اکسپرس است. یا TF۱ کانال یک تلویزیون فرانسه مال شرکت بویگ است که هم مخابراتی است و هم ساختمانی. این امر نشان‌دهنده انتقال مدیریت به بخش خصوصی کشور است و یک وضعیت خاص در فرانسه ایجاد کرده است.

در فرانسه هر منطقه شهرستان‌ها، دارای یک مجله هفتگی است که یک سوم آنها در مالکیت بانک کردی‌میتی‌ال است و دو سوم دیگر مستقل. اگر بخواهیم گروه‌های مطبوعاتی فرانسه را با آلمان مقایسه کنیم باید بگوییم که گروه‌های فرانسه کوچک‌ترند.

بر اساس گزارشاتی که روسلین، مدیر مدرسه روزنامه‌نگاری EFJ می‌دهد، در ده سال گذشته درآمد کاغذ و هرچه وابسته به کاغذ است در فرانسه، ۴۰ درصد سقوط کرده. این مساله بزرگی است، چون چیزی جایگزین این درآمدها نشده. از طرفی درآمد دیجیتال هم نتوانسته ۴۰ درصد افت شده را جایگزین کند، چون بیشتر اطلاعات بارگذاری شده روی اینترنت رایگان است. به تبع آن، هر تبلیغاتی که آنجا می‌شود هم درآمد و راندمان کمی دارد. در نتیجه اکوسیستم رسانه‌های سنتی در وضع بدی قرار دارند.

وقتی حرف پولی که از حذف ۴۰ درصد درآمد کاغذ به میان می‌آید، روسلین با خنده می‌گوید: فکر می‌کنم این پول صرف خرید اینترنت برای موبایل‌ها شده.

بر اساس اطلاعاتی که مدیر مدرسه می‌دهد، اندازه گروه‌های رسانه‌ای در فرانسه با هم متفاوت است. او می‌گوید: گروه سه نفره‌ای است که متشکل از لوموند، تلراما و کوری انترنسیونال است که سالانه ۴۰۰ میلیون یورو درآمدشان است. قابل ذکر است که لوموند به تنهایی یک سوم این درآمد را به دست می‌آورد.

فیسبوک، یوتیوب و آیفون، تاثیرگذاران دهه اخیر روی کار آمدن سخت‌افزار و نرم‌افزارها، تاثیر مستقیم روی کار رسانه‌ها گذاشته و می‌گذارد. به گفته روسلین، تحولاتی که در ۱۰ سال اخیر روی کار آمد، تاثیر شگرفی بر مطبوعات و ذایقه مردم گذاشت. او خطاب به دانشجویانش می‌گوید: برای اینکه باعث ناامیدی دانشجویانم نشوم، برای‌شان توضیح می‌دهم که تغییر امروزی هم در شانس‌های آینده‌شان مهم خواهد بود. این ۱۰ سال اخیر را می‌توانیم دهه تحولات بنامیم. آنقدر که در ۴۰ سالگی که این کار را انجام می‌دهم شبیه این ۱۰ سال را ندیده‌ام. آیفون ۲۰۰۶، فیسبوک ۲۰۰۵ و یوتیوب ۲۰۰۵ تاسیس شدند، سه فاکتوری که کاملا در مصرف رسانه انقلاب ایجاد کردند. ۱۲ سال پیش هیچ کدام اینها وجود نداشت. امروز خواننده‌ها می‌آیند روی آیفون، ویدیو نگاه می‌کنند، با یوتیوب هرچه خواهند می‌بینند و در فیسبوک از آخرین خبرهای رسانه‌ها مطلع می‌شوند.

او سوال ما را در خصوص یافتن راهکاری توسط مطبوعات کاغذی برای تطبیق با شرایط موجود، با ریختن آب پاکی بر دستان ما و دانشجویانش پاسخ می‌دهد: عمر کار کردن با کاغذ کاملا تمام شده. فردا من چیزی که به شاگردهایم یاد می‌دهم، گرایش‌ها روی اطلاعات موبایل، شبکه‌های اجتماعی، فیسبوک و ویدیو است. کاغذ جایی برای خودش پیدا خواهد کرد، ولی قطعاً خیلی متفاوت خواهد بود. جایی که یک قرن و نیم کاغذ به تنهایی داشت را دیگر نخواهد داشت و تغییر خواهد کرد. کاغذ جای خودش را چند وقت است در مقابل تلویزیون از دست داده الان کاملا همه‌چیز نوشتاری دیجیتالی شده. با این حال مجله‌های جدید کاغذی هنوز هستند و درست می‌شوند.

کاغذ، نوستالژی قرن بعد

شاید با این تفاسیر، وقتی دانشجویان مدرسه روزنامه‌نگاری که اسمش هم به کاغذ مربوط است، دارند با تمرکز بر فضای آنلاین جلو می‌روند، باید قبول کرد که دیگر عمر کاغذ به شکل روزنامه به سر رسیده باشد. مدیر مدرسه روزنامه‌نگاری که مویی در این راه سفید کرده، می‌گوید: شاید کاغذ را در سال‌های بعد در بخش دیگری ببینیم، اگر بخواهیم به روزنامه نگاه کنیم شاید عمرش تمام شده باشد.

دانشجویان این مدرسه یاد می‌گیرند که چطور هم در رسانه مکتوب کاغذی بنویسند و هم در فضای آنلاین و غیر کاغذی. آنها یاد می‌گیرند که چطور ویدیو بسازند و با صدا، تصویر، ویدیو و نوشتار تولیدات‌شان را داشته باشند و این یعنی آموزش چند رسانه‌ای به نسل جدید روزنامه‌نگاری، مساله‌ای که در فقدان کاغذ باید یاد گرفته باشند تا بتوانند خود را روزنامه‌نگار بدانند. دانشجویان مدرسه، در سه سالی که تحت تعلیم مدرسان روزنامه‌نگاری قرار می‌گیرند، با گذراندن سه دوره ترمیک زبان انگلیسی، به سطحی از یادگیری انگلیسی می‌رسند که بتوانند جهانی‌تر ببینند، بخوانند و بنویسند. فارغ‌التحصیلان این مدرسه همچنین می‌توانند برای گذراندن دوره‌های مختلف و گرفتن مدرک دیپلم آنها راهی شهرهای دیگر دنیا شوند، شهرهایی چون دویلین و نیویورک. همچنین دانشجویان این مدرسه می‌توانند برای گذراندن دوره‌های یک ترمه در دانشگاه‌های دیگر که EFJ با آنها قرارداد دارد، دوره تحصیلی بگذرانند به عبارتی به عنوان دانشجوی مهمان در آن دانشگاه درس بخوانند. فرانسه در مدرسه این دانشجویان که کرده افتتاح کالجی NYIT نیویورک تکنولوژی موسسه با قراردادی در نیویورک در EFJ می‌توانند یک یا چند ترم را در این موسسه بگذرانند.

منبع/ روزنامه اعتماد